



## با خانواده نوکر این خانواده ایم

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی پیرامون  
نقش خانواده در تبیین قیام حسینی و بسترسازی برای ظهور



فانوس - در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی  
شماره شصت و نهم، زمستان ۱۳۹۹

با خانواده، نوکر این خانواده‌ایم  
گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا عابدینی پیرامون نقش خانواده در تبیین قیام حسینی و  
بسترسازی برای ظهور  
چهارمین نشست صمیمانه ستایشگران جوان اهل بیت (علی‌الحبیب (ع)، ۲۵ مرداد ۹۸، تهران - مجموعه فرهنگی  
شهادت انقلاب

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: حسن ناصری

صفحه‌آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

فم - صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵

راپانامه: info@۱۵۴۲.org

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

# بسم بر معنی اِیْم

## مقدمه

در روایات بسیاری به این نکته کلیدی توجه داده شده که ایمان چیزی جز حب و بغض نیست. به این معنا که نقش عواطف و احساسات و ظهور و بروز آن در رفتار آدمی، در تحقق ایمان بسیار محوری است. از این رو تولی و محبت به عنوان یکی از اصول دین و مذهب تعیین می‌شود.

بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایات تفسیری، هر مؤمن پیش از آنکه به خویشان نسبی و سببی خویش اتصال و محبت آنان را در دل داشته باشد، باید پیوند استوار و محبت شدیدی نسبت به پیامبر و اهل بیتش علیهم‌السلام داشته باشد. از این رو، بر ماست که همواره صله آنان را به جا آوریم و با اشکال گوناگون، این ارتباط را حفظ کرده و پیوند را مستحکم داریم. یعنی وقتی در جلسات مدیحه یا مرثیه‌سرایی، دل‌ها را به امام معصوم علیه‌السلام مرتبط می‌کنیم، به این معنی است که داریم صله رجم می‌کنیم. اگر باور کردیم که برپایی مجالس اهل بیت علیهم‌السلام صله رجم است، به این معنی است که مردم را به رجم حقیقی‌شان

که همان رَجَم آل محمد ﷺ است برمی گردانیم. حالا چنانچه با این نگاه به نظام خانواده نگاه کنیم، در آن صورت اهمیت نقش خانواده، تشکیل خانواده و تحکیم خانواده مشخص می شود؛ یعنی اگر جلسات اهل بیت ﷺ را آسیب شناسی کنیم، آن چیزی که باعث تضعیف این جلسات می شود، ضعیف شدن نظام خانوادگی است. از طرفی جریان و حقیقت عاشورا یک حقیقت خانوادگی است و اگر دقیق و عمیق نگاه کنیم، در نقشه الهی برای خانواده حضرت، یک نقش حرکت آفرین و اثرگذار در شدیدترین مأموریت‌ها و سخت‌ترین مکان‌ها، برای توسعه خانواده در مقابل نقشه‌های تخریبی و ازهم‌پاشیدگی خانواده در آخرالزمان، تبیین و ترسیم شده است.

منشور حاضر، بیانات حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا عابدینی در چهارمین نشست صمیمانه جمعی از ستایشگران جوان اهل بیت ﷺ پیرامون جایگاه خانواده در حرکت و قیام سیدالشهدا ﷺ و نقش خانواده در بسترسازی جامعه آرمانی و بسترساز برای ظهور می‌باشد که در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۳۹۸ در مجموعه فرهنگی شهدای سرچشمه تهران ایراد گردیده است.



## منشأ و عمق حرکت در نظام هستی

در نگاه روایی ما، روح و اساس و حقیقت دین، بر پایه محبت استوار است. «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ»؛<sup>۱</sup> حقیقت نظام تکوین نیز بر محبت استوار است؛ از این رو بزرگانی مانند ابن سینا رساله‌هایی در سریان عشق در همه هستی دارند. اساس عالم بر محبت است؛ «كُنْتُ كُنْزًا مَخْفِيًا فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأَعْرَفَ»<sup>۲</sup>. پس اساس هستی بر محبت است. خدای سبحان در نظام وجودی، کاری کرده که اساس ارتباطات در عالم با شکل محبت به توحید برسد؛ ارتباطات نیز محبتی است که کثرت را به وحدت می‌رساند و هر چقدر محبت شدت پیدا کند، دلالت بر تشابه می‌کند؛ تشابه نیز علت محبت است و هر چقدر محبت بیشتر باشد علامت تشابه بیشتر است. پس محبت از تشابه حکایت می‌کند و تشابه به وحدت می‌رساند. حرکت هستی به سمت تشابه و وحدت توحید است؛ پس توحید مجسم خودش را با محبت آشکار می‌کند. این مقدمه‌چینی برای این بود تا معلوم شود، عمق حرکتی که در نظام هستی دارد اتفاق می‌افتد از کجا نشأت گرفته است.

در نگاه روایی ما،  
روح و اساس و  
حقیقت دین،  
بر پایه محبت  
استوار است.

۱. کافی، ج ۸، ص ۸۰.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالأنوار، ج ۸۴، ص ۱۹۹ و ۲۴۴.

## انواع مسلک‌های اخلاقی

مرحوم علامه طباطبایی در المیزان می‌فرمایند: مسالک اخلاقی سه مسلک است؛ ۱. مسلک مدح و ذم عام، که براساس پسند مردم است؛ ۲. مسلک براساس ثواب و عقاب؛ یعنی مثلاً انجام این کار ثواب دارد و انجام این کار عقاب دارد که دین از این خیلی استفاده کرده است؛ ۳. مسلک اختصاصی پیغمبر اکرم ﷺ که بر پایه محبت است و به آن مسلک و سلوک حبیّ می‌گویند؛ حضرت امتش را به این مسلک دعوت کرده است.

در نظام هستی  
علاوه بر انسان،  
در گیاهان و  
حیوانات نیز،  
نظام خانواده  
حاکم است.

## جایگاه نظام خانواده در نظام هستی

در نظام هستی علاوه بر انسان، در گیاهان و حیوانات نیز، نظام خانواده حاکم است؛ یعنی زاد و ولد، بذرافشانی، تولید نسل، اقامه نسل و ادامه نسل در نظام خانواده است. مثلاً درخت سیب، هسته خودش را که نهالش (فرزند) از آن به دنیا می‌آید، چقدر به زیبایی در لایه‌ای زیبا از طعم و رنگ در هسته قرار داده تا محفوظ بماند؛ زیباترین‌ها را در مدت رشد چطور حفظ و تقویت می‌کند تا این دانه و هسته در یک جایی قرار بگیرد که بماند؛ چقدر دانه تولید می‌کند تا یک دانه از این دانه‌ها تبدیل به سیب بشود. این‌ها لطافت‌های هستی است؛ اگر انسان در هر موجودی این‌گونه عمیق نگاه کند؛ یعنی غیر از خوردن و نگاه کردن و لذت بردن و طعم و زیبایی، از منظر بقای یک گیاه نگاه کند، می‌بیند که خدای سبحان چقدر برای این مسأله زیبایی خلق کرده تا این میوه بماند. هر گیاهی را مثال بنید از همین صنف است. هر چیزی را که مثال بنید با همین زیبایی بقای نسل خودش را نظام بخشیده است؛ حیوانات هم از همین صنف هستند.



در یکی از برنامه‌های مستند تلویزیونی می‌گفت: وقتی گردوهای درخت گردو در جنگل می‌ریزد، بعضی حیوانات مثل سمور، گردوها را در جای دورتری از این درخت دفن می‌کنند تا ذخیره کنند؛ بعد آدرس بعضی از این‌ها را فراموش می‌کنند که این فراموشی باعث می‌شود، درختی آنجا جوانه بزند و رشد کند؛ این تدبیری است که خدا اندیشیده است؛ ما به این‌ها ساده نگاه می‌کنیم و فکر می‌کنیم اتفاقی است، ولی این‌ها نقشه خداست که چگونه بقای هستی با لطافت و پیوستگی همه اجزا با همدیگر شکل پیدا کند. در نظام حیوانی جریان بقای هستی، بقای نوع و خانواده، خیلی شدید است، تا جایی که جان‌شان را فدا می‌کنند تا نسل‌شان باقی بماند.



یک شاخه  
و یک شعبه‌ای از  
اسم الرحمن  
است.

## اساس ارتباط در نظام انسانی

در نظام انسانی، اساس ارتباط با عنوان رَحِم ذکر شده است؛ رَحِم هم متعلق به زن است. اگر می‌گوییم صله ارحام، زاد و ولد را می‌گوییم که از رحم نشأت می‌گیرد؛ خدای سبحان چقدر زیبا می‌فرماید: «الرَّحِمُ شَجَنَةٌ مِنَ الرَّحْمَنِ»<sup>۱</sup> رَحِم یک شاخه و یک شعبه‌ای از اسم الرحمن است. ریشه رَحِم و رحمان یکی است؛ این رَحِم است آن هم رَحِم است. بنابراین ریشه رَحِم در انسان که اساس خانواده است، به رَحِمی برمی‌گردد که متعلق به زن است؛ بعد این رَحِم به رحمان مرتبط می‌شود. این‌ها ساده نیست؛ یعنی تفکر توحیدی الهی را حول محور خانواده بیان می‌کند. «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَبَوًا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»<sup>۲</sup> رحمن در حد الله است؛ این دو در کنار هم هستند؛ پس اگر منشأ این رحمان است - که بسم الله الرحمن الرحيم آغازگر است - یعنی در بسم الله الرحمن الرحيم رحمت

۱. معانی الأخبار، جلد ۱، صفحه ۲۰۲.

۲. اسراء، آیه ۱۱۰.

منتشر را می‌بینیم؛ تجلی ظاهری رحمت منتشر، رجم و صله ارحام است؛ مراتب رجم در این رابطه خودش را تجلی می‌دهد.

«بسم‌الله الرحمن الرحيم» که کلمه و آن کُن وجودی و آغازگر عالم است؛ به تعبیر بزرگان «بسم‌الله الرحمن الرحيم» برای عارف مثل کلمه کُن (کن فیکون) برای خداست؛ این‌ها کد است. بسم‌الله کلمه ایجاد است؛ با «ب» بسم‌الله الرحمن الرحيم ظهرت العالم، ظهرت الوجود، عالم ظاهر شد. حقیقت این بسم‌الله الرحمن الرحيم را «الرحمن» و «الرحيم» ی تشکیل داده که ظهور وجود را ایجاد می‌کند. ظهور وجود نیز تا رجم که اساس خانواده است، کشیده می‌شود.



## مراتب رَحِم

اساس نظام خانواده را رَحِم تشکیل می‌دهد؛ در آیات و روایات چقدر زیبا به ما می‌فرمایند صله رَحِم کنید؛ بعد ذیل روایت آمده که این صله رَحِم به معنای صله محمد و آل محمد ﷺ است؛ حقیقت رَحِم یک حقیقت ذات مراتب است؛ مرتبه اولش همین رَحِمی است که خانواده «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ»<sup>۱</sup> و نظام خانواده با آن شکل می‌گیرد؛ «يَسْتَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ»<sup>۲</sup>. این یک رَحِم است، که «وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ»<sup>۳</sup> هم صدق می‌کند. همچنین در روایت می‌فرماید: رَحِم را به ارحام ظاهری منحصر نکنید، بلکه رَحِمی که به نظام معنوی، نظام دینی و نظام ولایی شما متصل می‌شود نیز رَحِم است.

خدا رحمت کند حضرت آیت‌الله بهجت رحمته می‌فرمود: محرومیت‌های ما به دلیل عدم باورهای

رَحِم را به ارحام ظاهری منحصر نکنید، بلکه رَحِمی که به نظام معنوی، نظام دینی و نظام ولایی شما متصل می‌شود نیز رَحِم است.

۱. احزاب، آیه ۶.

۲. بقره، آیه ۲۱۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

ماست؛ ما روایت‌ها را می‌شنویم، ولی سرسری معنا می‌کنیم. باید عمق و دقت روایت را باور کنیم؛ اگر ندانیم روایت چه چیزی را می‌خواهد بیان کند و از چه عمقی موضوع را بیان می‌کند، انگیزه و شوق و علاقه و حرکتی ایجاد نمی‌شود. نظام بدنی انسان (رحم انسان) براساس همان نظام خون و ژنتیکی است که از طریق آباء و ارحام متصل و مرتبط می‌شود و انتقال پیدا می‌کند؛ افزون بر نظام بدنی، یک نظام روحی داریم که این نظام روحی و معنوی انسان هم رحم دارد. اگر می‌فرماید «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» این رحم است و اگر می‌فرماید حقیقت صله ارحام به رحم آل محمد ﷺ برمی‌گردد، به این دلیل است که این حقیقتاً رحم است؛ یعنی همان‌طور که ارواح تمام انسان‌ها در نظام بدنی ابدان‌شان از طریق نظام خونی مرتبط است، عمق این نظام را خداوند سبحان طوری زیبا مرتب کرده که همه انسان‌ها باید به یک پدر و مادر برگردند. خداوند می‌توانست نسل‌ها را از چندین پدر و مادر بیافریند؛ ولی از یک پدر و مادر آفرید تا حقیقت این نظام خانوادگی عظیم که یک رحم است دیده شود؛ یعنی همه انسان‌ها با هم در این ارتباط، رحم هستند. در روایات نیز همه انسان‌ها با هم رحم هستند. در نظام بدنی کسانی که اهل دین و توحید هستند این رحم مضاعف می‌شود؛ یعنی علاوه بر نظام بدنی، نظام روحی هم به آن اضافه می‌شود؛ شدت نظام روحی در این است که جمع مؤمنین کنار هم قرار می‌گیرند.

## رابطه انسان با رَحِم ولایی

بنابراین همان‌طور که در نظام بدنی و ابدان رابطه وجود دارد، در نظام روحی نیز که رَحِم معنوی و دینی است، رابطه وجود دارد؛ امکان ندارد رابطه انسان با ولّی قطع شود؛ یعنی نه رابطه مؤمنین با ولّی، بلکه رابطه انسان‌ها با ولّی قطع نمی‌شود؛ چنانچه رابطه یک انسان با ولّی قطع شود، به معنی قطع رابطه با ولّی و امام نیست، بلکه این انسان جهل به رابطه پیدا کرده است.

امکان ندارد  
رابطه انسان  
با ولّی قطع شود.

## خانواده یک سنت الهی در تمام موجودات

چرا جریان و حرکت امام حسین علیه السلام باید با خانواده اتفاق بیفتد؟ آیا حرکتی اتفاقی است یا نقشه خداست؟ خداوند فرمود: دوست دارم تو را قتل و خانواده‌ات را اسیر ببینم. در طول تاریخ بی‌سابقه است که یک حقیقتی از نظام خانوادگی این‌قدر منشأ داشته باشد. وقتی یک جمع، خانوادگی حرکت می‌کنند، به این معنی است که قصد دعوا ندارند؛ چون نگاه و حرکت خانوادگی، حرکت صلح است؛ جنگ همیشه وقتی صورت می‌گیرد که مردان به میدان معرکه و قتال می‌روند، ولی وقتی حرکت خانوادگی است و به تعداد مردانی که آن‌جا هستند، زنان و بچه‌ها هم هستند، این نشان می‌دهد که قطعاً قصد اول قصد جنگ نیست، ولی اگر جنگ پیش بیاید تا آخر هستند.

خود این چقدر پیام و سازندگی دارد و چقدر حرف از آن در می‌آید. بحث رجم نیز از یک طرف به رجم بدن، از یک طرف به رجم ولایی و از طرفی هم به رجم رحمانی متصل می‌شود؛ رجم رحمانی یک رجم است، ولی زیبایی آن در این است که ارتباط انسان با

خداست؛ خداوند به حضرت موسی می‌گوید: «یا موسی اَنَا بُدَّكَ الْاَلَزَمُ»<sup>۱</sup> تو اصلا نمی‌توانی از من جدا بشوی؛ راه جدایی ندارد، من بُدَّ لازم تو هستم؛ کسی نمی‌تواند از خدا فرار کند. انسان هرچقدر به این رجم و رحمانیت حق ارتباط و توجه پیدا کند، قدر این رجم را دانسته و قرب پیدا کرده است؛ قطع ارتباط با خدا امکان‌پذیر نیست؛ قطع ارتباط با رجم ولایی هم امکان‌پذیر نیست؛ هیچ کسی نمی‌تواند از ولی فاصله بگیرد؛ اگر کسی در مقابل ولیّ قد علم کرد، به حقیقت وجودی ولیّ، جهل پیدا کرده و خودش را در معرض نابودی قرار داده است؛ یعنی حقیقت از بین نرفته، بلکه خودش از بین رفته است. علامه طباطبایی در یک تعبیر زیبا می‌فرماید: جریان خانواده یک سنت الهی مربوط به بشریت است نه مربوط به اسلام؛ سنتی است که خداوند همه بشریت را بر این قرار داده است؛ حتی این سنت در حیوانات و گیاهان هم سرایت دارد.

بنابراین هرچقدر سنت الهی فراگیرتر باشد، مجازات مقابله با آن نیز شدیدتر است؛ یعنی اگر کسی به دنبال برهم زدن سنت خانواده - که یک سنت وجودی بالاتر از بشری است - و از بین بردن آن باشد، این امر غیر از یک گناه است. در روایت هست که اولین ناطق و گوینده در روز قیامت رجم است؛ آن‌جا اولین بیان رجم این است که «يَا رَبِّ صَلِّ مَنِّ وَصَلِّيَّ وَ اِقْطَعْ مَنِّ قَطْعِيَّ»<sup>۲</sup> خدایا کسی که با من در حقیقت ارتباط برقرار کرد «صَلِّ مَنِّ وَصَلِّيَّ» تو هم بپیوند، تو هم او را مواصله کن و کسی که من را قطع کرده تو هم قطع کن. این بیان یک واقعیت و حقیقت است، نه اینکه فقط یک دعا باشد. قیامت فقط صدق گفته می‌شود؛ براساس سنت الهی، در روز قیامت آن‌چه به عنوان بیان صدق است و اولین

ارتباط بین  
خانواده و جلسات  
ارتباط ولایی  
با مقام  
ولایت حضرات  
معصومین  
به عنوان  
رجم دینی انسان  
معرفی می‌شوند.

۱. شرح دعای سحر امام خمینی، صفحه ۱۴۱.  
۲. الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۵۶.



گفتار هم هست، یعنی اولین گفتار و ناطق در روز قیامت، رجم است؛ از رجم طینی و بدنی آغاز می‌شود، به رجم الهی می‌رسد و به رجم رحمانی منجر می‌شود؛ یعنی رجم ولایی اولین ناطقش آن جاست.

ارتباط بین خانواده و جلسات ارتباط ولایی با مقام ولایت حضرات معصومین علیهم‌السلام به عنوان رجم دینی انسان معرفی می‌شوند؛ آن وقت رجم خانواده با رجم دینی دو مرتبه از یک واقعیت هستند؛ هرچقدر در خانواده رزمایش محبت ایجاد کنیم و پیوند محبت در خانواده شدیدتر شود، محبت ولایی و بعد هم محبت رحمانی شدیدتر می‌شود؛ براین اساس اگر خانواده دچار اختلال شود، یقین بدانید که محبت ولایی نیز دچار اختلال می‌شود. اگر با این نگاه به جریان خانواده نگاه کنیم، برای آسیب‌شناسی جلسات ولایی ابتدا باید به دنبال سلول‌هایی باشیم که این عضو را تشکیل می‌دهد؛ این سلول خانواده است. هر خانواده یک سلول است؛ سلامت سلول خانواده هم، سلامت عضو است. بنابراین جلسات مرثیه‌خوانی و مداحی و ستایش‌گری برای اهل بیت علیهم‌السلام مثل اعضایی می‌مانند که از سلول‌هایی تشکیل شده‌اند؛ افرادی که وارد این عضو شدند قبلاً باید در نظام سلولی شان - که همان نظام رجم خانوادگی است - سلامت داشته باشند. این سلامت در نظام خانوادگی هرچقدر شدیدتر محقق شود، آن عضو که از این سلول‌ها تشکیل شده، سلامت بالاتری دارد و آن بدن که نظام رحمانی است سالم‌تر است و بقای بیشتری دارد.

در نظام خانواده  
بین پدر و فرزندان،  
نسبت ولایت‌مداری  
برقرار است.

## نظام خانواده، نظام ولایت‌مداری

این‌ها ذوقی و استحسان نیست، بلکه عین مضمون روایت‌هایی است که از ائمه علیهم‌السلام به ما رسیده است. اگر نگاه ما به خانواده به عنوان راهکار گسترش مجالس حسینی و مجالس مهدوی و مجالس علوی شکل گرفت، اساس این که چرا به خانواده این قدر اهمیت داده شده، مشخص می‌شود. صد سال است که دنیای غرب به دنبال از هم پاشیدن نظام خانواده است. نظام ولایتی که در خانواده برقرار شده، تمرین ولایت‌مداری و ولایت‌داری است؛ در نظام خانواده بین پدر و فرزندان، نسبت ولایت‌مداری برقرار است؛ این ولایت‌داری و ولایت‌مداری تمرینی برای رسیدن به مراتب بالاتر ولایت‌مداری است؛ یعنی اگر ولایت‌مداری در نظام خانواده خوب رعایت شد، قطعاً در عرصه ولایت‌مداری ولایتی بهتر رعایت می‌شود. ولی اگر کسی در خانواده نتواند ولایت‌مدار باشد، این‌جا هم نمی‌تواند موفق شود. پس اگر می‌خواهیم مسأله جلسات هیأت‌های ما بهبود پیدا کند و به کمال بالاتر برسد، مسیری که خدای سبحان قرار داده این است که باید پیوندهای خانوادگی قوی‌تر و شدیدتر

شود و هیأت‌ها براساس نظام خانوادگی چیده شود؛ یعنی رجم طینی که براساس نظام بدنی است، تقویت شود؛ رجم بدنی هرچقدر تقویت بشود منجر به رجم ولایی می‌شود. در روایات می‌فرماید: رجم در قیامت به عرش الهی پناه می‌برد و عرش الهی را برای قضاوت، قاضی و حاکم قرار می‌دهد؛ عرش الهی مقام حکم مطلق «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»<sup>۱</sup> و همان مرتبه رحمانیت است؛ یعنی مقام رحمانیت آن جا حاکم است؛ آنجا قضاوت می‌شود که چه کسی چه مقدار در نظام رجم درست یا غلط عمل کرده است. اگر با این نگاه به بحث رجم نگاه کنیم می‌دانید چقدر موضوع ایجاد می‌شود؟ توحیدی که دنبال رسیدن به آن هستیم از رجم خانواده آغاز می‌شود؛ در روایت می‌فرماید: یک ساعت نشستن در کنار خانواده و گفتگوی محبت‌آمیز از یک سال عبادت برتر است؛ براساس چنین روایتی شکل‌گیری گفتگوی محبت‌آمیز حول محور رجم بدنی، نازله رجم ولایی است که جان را برای پذیرش رجم الهی آماده می‌کند.

۱. طه، آیه ۵.

## هدف دنیای غرب از هم‌پاشیدگی نظام خانواده

با دقت در تلاش دنیای غرب برای متلاشی کردن نظام خانواده، معلوم می‌شود که آن‌ها چه افقی را در این خصوص در نظر گرفته‌اند. در بین انبیای الهی حضرت لوط علیه السلام، به قومی مبتلا شد که این قوم به گناهی خلاف سنت الهی مبتلا شدند؛ اقوام دیگر در دوره‌های دیگر دچار فساد بودند و در مقابل نکاح، زنا هم می‌کردند، ولی دچار عذاب قوم لوط نشدند؛ ولی خداوند متعال در خصوص قوم لوط می‌فرماید: «يُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»<sup>۱</sup> چون این گناه قوم لوط برخلاف سنت الهی و فطرت بود و حرث و نسل را از بین می‌برد. گناه قوم لوط در نظام وجود شبیه ندارد؛ یعنی انحراف فقط نیست، بلکه مقابله با نظام وجود و ایجاد سنت و بدعت در مقام سنت الهی است. گاهی تخطی از سنت الهی صورت می‌گیرد که گناه است و عذاب دارد؛ ولی گاهی سنت در مقابل سنت الهی گذاشتن است. این سنت

گناه قوم لوط  
در نظام وجود  
شبیه ندارد؛  
یعنی انحراف  
فقط نیست،  
بلکه مقابله با  
نظام وجود  
و ایجاد سنت و  
بدعت در مقام  
سنت الهی است.

۱. بقره، آیه ۲۰۵.

گذاشتن در مقابل سنت الهی، به تعبیر قرآن و روایات، عذاب لعن به همراه دارد. این لعن هم یعنی قطع ریشه و از بین رفتن و بقا نداشتن.

از این رو الان ببینید نگاه دنیای غرب در مورد هم‌جنس‌گرایی چگونه است؟ حتی در مذاکرات برجام یکی از شرایطی که جزو لوازم مذاکرات لحاظ شده بود، اینکه به ما می‌گفتند اگر از نظر قانونی نمی‌توانید بپذیرید که هم‌جنس‌گرایی قانونی باشد، حداقل آن را بپذیرید؛ بعد هم روی این شرط اصرار داشتند و می‌گفتند کسانی را که مرتکب این عمل می‌شوند، مجازات نکنید و مجازات این افراد جرم تلقی شود!

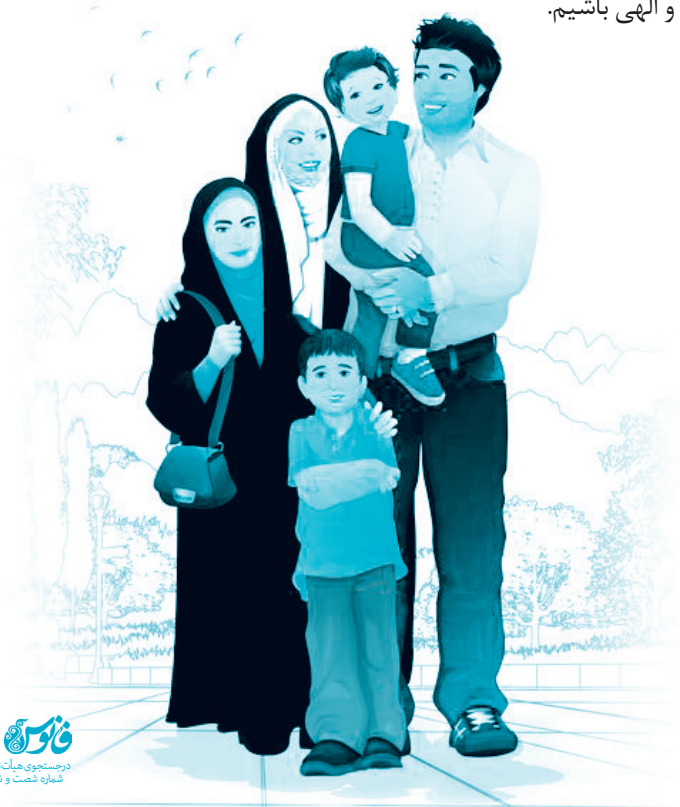
هم‌جنس‌گرایی اوج فرهنگ غرب است، یعنی اگر بخواهیم خلاصه و حقیقت فرهنگ غرب را نشان دهیم، نتیجه‌اش همین است. ایجاد سنت در مقابل سنت الهی که به‌طور قه‌ری نتیجه آن نابودی است. نماد دیگر فرهنگ غرب همان ازدواج‌های سفید (در اصل سیاه) است؛ این‌ها مراتب است؛ یعنی ابتدا ازدواج سیاه را به‌عنوان یک حرکت ساده پیشنهاد می‌دهند تا به سمت مراتب بعدی پل بزنند؛ بعد وقتی این مرحله طی شد، به مرحله هم‌جنس‌گرایی «يُهَيْكِلُ الْحَرْثَ وَ النَّسْلُ» می‌رسانند.

با تسدید  
و تأیید سیر حرکت  
نظام خانواده،  
رحمانیت حق نیز  
به جوش می آید.

## نظام خانواده موجب نزول رحمت الهی

در مقدمه‌ای که در نظام توحیدی چیدیم، گفتیم حقیقت رحم از جایی نشأت می‌گیرد که می‌خواهد ولایت در آن مستقر شود تا به توحید الهی برسد؛ اگر این سیر را ببینیم، آن وقت ببینید گسترش خانواده در نظام محبت و رأفت و شکل‌گیری آن حرکت خانوادگی و رحم چقدر می‌تواند عظیم باشد. نوع نگاه ما به خانواده (جدای از بحث ازدواج، نسل و تکثیر نسل و آرامش و آسایش جوان) به‌عنوان مشکل‌گشای بسیاری از دغدغه‌ها و آسیب‌های امروز، نزول رحمت الهی را نیز به‌دنبال دارد؛ با تسدید و تأیید سیر حرکت نظام خانواده، رحمانیت حق نیز به جوش می‌آید. البته این جواری نیست که فقط آثار آن همین آثاری باشد که ابتدا ما می‌توانیم تشخیص بدهیم، بلکه آن‌جا حقیقت رحمان خودش را نشان می‌دهد. یعنی اگر در بحث خانواده مثلاً می‌گویند سن ازدواج از دهه پنجاه تا حدود سال نود، یک سال و اندی بالا رفته است و از سال نود و یک تا الان سه سال سن ازدواج بالا رفته است، به این معنی است که جامعه به نظام خانواده پشت کرده است؛ پشت کردن

به نظام خانواده یعنی منحرف شدن از سنت الهی؛ با منحرف شدن از سنت الهی رجم طینی تضعیف می‌شود؛ با تضعیف رجم طینی، رجم ولایی و سپس رجم رحمانی تضعیف می‌شود. به دنبال این تضعیف‌های سلسله‌وار باید منتظر تنش‌ها در مجالس و روابط توحیدی و الهی باشیم.



## عاشورا یک حقیقت خانوادگی

اگر ما بر اساس نظام روایی به نظام خانواده نگاه کنیم، می‌فهمیم که شکل‌گیری حرکت کاروانی یک خانواده کامل، به دنبال بسترسازی عصر ظهور است؛ بنابراین معلوم می‌شود آن پیش‌بینی‌هایی که روایات در مورد از هم‌پاشیدگی نظام خانواده در نزدیک ظهور آمده، به واقعیت پیوسته است؛ یعنی هرچقدر به آن زمان نزدیک‌تر می‌شویم پاشیدگی خانواده‌ها و شباهت مردان به زنان، عینیت و شدت می‌یابد. آن چیزی که می‌تواند ما را از این وضعیت نجات دهد و بیمه کند و حرکت‌زا باشد، جریان و حقیقت عاشورا است که یک حقیقت خانوادگی است.

حماسه عاشورا مانند یک معدنی است که هنوز لایه‌های اولیه آن استخراج نشده است. من معتقدم هر فردی که در عاشورا حضور دارد، در نظام ظهور یک مأموریت به عهده دارد. تمام این‌ها با نقشه است؛ از کودک شش‌ماهه گرفته تا پیرمرد نود ساله، از زن گرفته تا کودک، از شهید تا اسیر؛ یک نمونه آن «جون» غلام ابی‌ذر است؛ در راه‌پیمایی چند میلیونی اربعین

رابطه جریان  
کودک شش‌ماهه  
و عواطف مادرانه  
می‌تواند جریان  
نهیضت عاشورا را  
برای  
بسترسازی ظهور  
آماده کند.



شیعیان نیجریه وقتی با آنها مصاحبه می‌کردند، ابراز می‌کردند که ما ولایت و شیعه بودنمان را مرهون «جون» می‌دانیم؛ او یکی از ما بود که با امام حسین علیه السلام رابطه داشت. باور این مطلب سخت است که غلام ابی‌ذر چنین نقشی در لشکر امام حسین علیه السلام داشته باشد؛ یعنی حضور یک نفر در لشکر امام حسین علیه السلام موجب شیعه شدن میلیون‌ها نفر شود؛ این یک مأموریت ویژه است. یا حضرت علی‌اصغر علیه السلام کودک شش‌ماهه‌ای که امروز به یاد و نام ایشان یک نهضت شیرخوارگان حسینی برپا می‌شود که در بین مادران تلاطم ایجاد می‌کند و افکار جهانی را تکان می‌دهد. رابطه جریان کودک شش‌ماهه و عواطف مادرانه می‌تواند جریان نهضت عاشورا را برای بسترسازی ظهور آماده کند. این‌ها همه منشاء خانوادگی است. نقش دختر سه‌ساله امام حسین علیه السلام و حضرت رباب علیها السلام هر کدام یک نقش عظیمی در حرکت آخرالزمانی به عهده دارند. اگر این نقش‌ها را پردازش کنیم و روی آنها به عنوان نماد خانواده و ارتباطات خانوادگی دقت کنیم، خدای سبحان بهترین‌ها را به عنوان خانواده، در یک جا سرمایه‌گذاری کرده تا آن هدایت‌گری ایجاد شود. حال اگر ما بی‌تفاوت یا کم‌تفاوت باشیم و این نقش‌ها را نبینیم، ظهور به تأخیر خواهد افتاد. یعنی هرچقدر از عمق حماسه عاشورا برداشت کنیم و هرچقدر مأموریت افراد دیده شود، قطعاً بدانید تعجیل در فرج محقق می‌شود. تعجیل در فرج تنها به گفتار و دعا نیست. دعا به جای خود، ولی نیازمند استفاده از بسترهاست.

## نقش خانواده در حماسه عاشورا

امام زمان علیه السلام از بستر حماسه عاشورا سربازگیری می‌کنند تا جایی که همه حضرت را به امام حسین علیه السلام می‌شناسند؛ منشاء یکی از شناخت‌ها، خانواده و اهل‌بیتی است که امام حسین علیه السلام با نقشه الهی همراه خود به کربلا بردند؛ شاید تاکنون نقشی که برای خانواده و اهل‌بیت امام حسین علیه السلام در حماسه عاشورا بیان شده، تنها نقش ایجاد عواطف و احساسات بوده، ولی اگر دقیق و عمیق نگاه کنیم، در نقشه الهی برای خانواده حضرت، یک نقش حرکت‌آفرین و اثرگذار در شدیدترین مأموریت‌ها و سخت‌ترین مکان‌ها، برای توسعه خانواده در مقابل نقشه‌های تخریبی و ازهم‌پاشیدگی خانواده در آخرالزمان، تبیین و ترسیم شده است. مگر امام حسین نمی‌دانست چه خواهد شد؟ پس چرا کودک شش‌ماهه و اهل حرم را همراه خودش می‌آورد؟ اگر خانواده حضرت نقشی در بیداری و هدایت‌گری تاریخ نداشتند حضرت آنها را همراه خود نمی‌آوردند.

امام زمان علیه السلام  
از بستر  
حماسه عاشورا  
سربازگیری  
می‌کنند  
تا جایی که همه  
حضرت را به  
امام حسین علیه السلام  
می‌شناسند

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی که در جنگ نهروان کشته‌ها را می‌شمارند، کشته‌های حضرت با کشته‌های مالک اشتر یک اندازه بود. حضرت به مالک می‌فرماید: مالک! این‌ها مهدورالدم بودند؛ تو شمشیرت را بلند کردی و همه این‌ها را کشتی؛ ولی من وقتی شمشیرم را بلند می‌کردم تا عقاب این‌ها را نگاه می‌کردم، اگر در نسل این‌ها یک استعدادی بود او را نمی‌کشتم. حضرت نمی‌گذارند هیچ استعدادی ضایع بشود حتی اگر در نسل‌های بعدی او باشد؛ یعنی اگر کسی به دست امام معصوم کشته می‌شود، در نسلش هم امکان هدایت نیست؛ همان گونه که در قرآن می‌فرماید: «وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجِرًا كَفَّارًا»<sup>۱</sup> اگر نسلی از آنها بمانند فاجر و کفارند. حضرت نوح وقتی نفرین می‌کند می‌گوید: «لَا تَدْرُ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا»<sup>۲</sup> إِنَّكَ إِن تَدْرُهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجِرًا كَفَّارًا»<sup>۱</sup>؛ خدایا این‌ها این قدر در شقاوت تام شدند که هر چه هم از این‌ها به دنیا بیاید فاجر و کفار است و مؤمن در نسل آنها نیست.

پس اگر به مجالس امام حسین علیه السلام آمدیم، با این نگاه باشد که در زیر سایه رحم معنوی قرار گرفتیم؛ یعنی احساس کنیم مجلس امام حسین علیه السلام یک رحم معنوی و یک صله رحم است؛ اگر این رحم را تقویت کردیم، تقویت رحم خانوادگی را به دنبال دارد، تقویت رحم خانوادگی نیز تقویت رحم معنوی را به دنبال دارد. در نهایت تقویت رابطه این دو، تقویت رابطه با خدا را به دنبال دارد که رحم رحمانی است.

۱. نوح، آیه ۲۷.  
۲. همان.

## گسست در نظام خانواده، خدشه بر نظام ولایت و نظام توحیدی

حالا باید ببینیم آیا نگاه ما به نظام خانواده، آن گونه است که خدای سبحان در نظام تکوین شکل داده است؟ آیا اهمیت نظام خانواده و آسیب‌های آن برای ما آنقدر جدی هست که اگر آسیبی مشاهده کردیم، برای آن بسوزیم؟ یعنی پاشیدگی نظام خانواده را در راستای خدشه بر نظام ولایت و نظام توحید بدانیم. اگر کسی این نگاه را نسبت به نظام خانواده پیدا کرد، آن موقع با تمام وجود برای حفظ خانواده تلاش می‌کند. تلاش می‌کند در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام، اشعارش براساس مضامین خانواده و تأیید خانواده باشد؛ براساس تأیید و تأکید این مسأله سخنرانی کند؛ تلاش می‌کند اساس شکل‌گیری هیأت و همه این‌ها بر مدار خانواده شکل بگیرد و تمام جهادش را بر این مسیر قرار می‌دهد و از خودش و خانواده خودش آغاز می‌کند.

روضه‌های  
خانوادگی  
را به عنوان  
یک اصل  
برگزار کنیم و  
دنیا آن باشیم که  
رونی بگیرد و  
شدت پیدا کند.

## تأکید بر برگزاری روضه‌های خانگی

یک کسی گلایه می‌کرد که پسرم دستگاه امام حسین علیه السلام و مجلس روضه را رها کرده و دارد بی‌اعتقاد می‌شود؛ پیشنهاد شد جلساتی از جلسات اهل بیت علیهم السلام در خانه‌شان بگیرند. دو - سه جلسه که گرفته بود، گفت همین که پسرم در این جلسات آمد و یک خدمتی کرد، تغییر کرد. باور کنید وقتی رجم طینی به رجم معنوی گره خورد، خود حضرات معصومین علیهم السلام دستگیری می‌کنند. از این رو توصیه و تأکید می‌شود که روضه‌های خانوادگی را به عنوان یک اصل برگزار کنیم و دنبال آن باشیم که رونق بگیرد و شدت پیدا کند. ما معتقدیم وقتی در خانه‌ای روضه گرفته می‌شود، این روضه دعوت امام است؛ اقامه عزا و جشن در خانه‌ها برای ائمه معصومین علیهم السلام، دعوت کردن از امام است؛ آمدن امام به هر خانه برکت‌های فراوانی همراه دارد. وقتی در این خانه قدم می‌گذارند حتی بر آن‌هایی که میل ندارند نیز تأثیر می‌گذارد. اگر بچه‌ای یا کسی در این خانه یاد گرفت که شرکت‌کنندگان در مجالس اهل بیت علیهم السلام، زائران اهل بیت علیهم السلام هستند، و از زائر اهل بیت علیهم السلام پذیرایی کرد، چنین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مَنْ لَمْ يَلِدْ فَالْتَمِسِ الرَّحْمَةَ  
مَنْ لَمْ يَلِدْ فَالْتَمِسِ الرَّحْمَةَ



جمع‌بندی راه‌کارهای مقابله با آسیب‌های  
اجتماعی در حوزه ستایش‌گری

تهران } مرداد ماه ۱۳۹۸



کسی حتما در نظام ولایی اش امداد می‌شود؛ کسی که در خانه‌اش قبلاً این آشنایی را ایجاد کرده و از امام و زائران امام پذیرایی کرده، وقتی وارد یک مجلس بزرگتر می‌شود، به این مجلس آشناست و نسبت به آن بیگانه نیست و احساس غربت نمی‌کند. بنابراین معلوم می‌شود مجالس خانگی مهم است و فقط مجالس چند هزار نفری نیست که باید سخنرانان و مداحان مشهور شرکت کنند.

پس انتقال از این رجم مادی به رجم معنوی و از رجم معنوی به رجم مادی، یکی از سوژه‌های مهمی است که باید در شعر، در نظام مداحی، در نظام سخنرانی، هرچقدر قوی‌تر شکل بگیرد؛ آن موقع کسی که دنبال ولایت است می‌فهمد از کجا باید شروع کند؛ یعنی باید از داخل خانه شروع کند. کسی که در خانه بداخلاقی می‌کند و بعد می‌آید در مجلس امام حسین علیه السلام در حقیقت رجم بدنی خودش را به هم زده است.

رابطه امام با تو  
بر مدار رابطه  
مؤمنین با همدیگر  
است.



## رابطه امام معصوم با افراد بر مدار چگونگی رابطه با مؤمنین

اسحاق بن عمار از یاران امام صادق علیه السلام در کوفه زندگی می کرد. مؤمنین کوفه فقیر بودند؛ باین حال اسحاق بن عمار به هر دلیلی ثروتمند شده بود؛ می گوید: «لَمَّا كَثُرَ مَالِي» وقتی ثروتمند شدم «أَجْلَسْتُ عَلَيَّ بَابِي بَوَّابًا» شیعیان می آمدند و می رفتند؛ دشمن هم دنبال شناخت شیعیان بود تا روابط را بشناسد و بگیرد و آنها را قلع و قمع کند؛ می گوید من درون خانه یک نگهبان گذاشتم که نگذارد شیعیان بیایند. بعد می گوید آن سال در مکه به دیدار امام صادق علیه السلام مشرف شدم؛ تا خدمت حضرت رسیدم و بر ایشان سلام کردم «رَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ بِوَجْهِ قَاطِبٍ مَرْوَرًا»، با یک روی ترش و عبوس و ابروی درهم پیچیده با من برخورد کرد. عرض کردم آقا «مَا الَّذِي غَيَّرَ لِي حَالِي عِنْدَكَ» چه چیزی باعث شد من لایق آن نگاه محبت آمیز سابق شما نیستم. حضرت فرمودند: «تَغَيَّرَكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>، چون رابطات با مؤمنین تغییر کرده است. رابطه امام با تو بر مدار رابطه مؤمنین با همدیگر است. یعنی اگر

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۲.

رابطه‌ات در ارتباط با اهل ایمان تغییر کرد آن وقت رابطه به هم می‌خورد و قطعاً امام هم رو برمی‌گرداند؛ چون در بین اهل ایمان اوج رابطه با رحم است؛ قطعاً اگر در مجلس امام اشک جاری نمی‌شود، یا دل شکسته نمی‌شود، یا احساس کمال و توفیق پیدا نمی‌شود، یک جایی مشکلی هست که نمی‌گذارد عمل انسان بالا برود. پس اگر به رحم خانوادگی - که حقیقت نازله رحم ولایی و نزدیک‌ترین راه به رحم ولایی است - اهمیت و ارزش دادیم، به رحم رحمانی راه پیدا می‌کنیم.

بنابراین اگر می‌خواهیم در این ایام صحبت کنیم، یا شعر بگوییم، از رحم خانواده شروع کنیم؛ چون سیر آن به رحم ولایی و بعد هم به رحم رحمانی می‌رسد. چون با نظام وجود هم تناسب دارد و مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین راه به نظام وجود است. توضیح نظام و رحم ولایی به تنهایی مشکل است، ولی رحم خانوادگی را همه می‌شناسند؛ یعنی اگر بخواهی تنها رحم ولایی را برای کسی توضیح بدهی سخت است، ولی رحم خانوادگی را همه (مؤمن و کافر) می‌شناسند.

بنابراین باور کنیم که تمام این مقدمه‌چینی‌های خدای سبحان در عالم وجود، برای قبول ولایت نهایی بوده است؛ همه نسبت‌ها را چیده تا آن ولایت نهایی در عالم براساس این مقدمات محقق شود؛ اگر با این نگاه نقش الهی را ببینیم آن موقع خود شعر سرودن با این عظمت مبالغه نیست، بلکه عین واقعیت است و احساس آن هم خیلی ساده ایجاد می‌شود.

وقتی مؤمنین  
کنار هم قرار  
می‌گیرند رحمت  
الهی می‌جوشد و  
بسیاری از مشکلات  
وسختی‌ها رفع  
می‌شود.

## تحکیم روابط بین مؤمنین، موجب قرب به امام و جوشش رحمت الهی

در روایتی شریف از حضرت عبدالعظیم حسنی<sup>۱</sup> است که می‌گوید: خدمت امام رضا<sup>ع</sup> رسیدم، وقت خداحافظی به حضرت عرضه داشتم، کلامی بگویند تا برای شیعیان سوغات ببریم. امام رضا<sup>ع</sup> فرمودند: «یا عَبْدَ الْعَظِيمِ، أْبْلِغْ عَنِّي أَوْلِيَاءِي السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ أَنْ لَا تَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا وَ مَرْهُمُ بِالصَّدَقِ فِي الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ مَرْهُمُ بِالسُّكُوتِ وَ تَرْكِ الْجِدَالِ فِيمَا لَا يَعْنِيهِمْ وَ إِقْبَالَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَ الْمُرَاوَرَةَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُرْبَةٌ إِلَى»<sup>۲</sup> عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو: شیطان را به دل‌های خویش راه ندهند. در گفتار خویش راست‌گو باشند و امانت را ادا کنند. خاموشی را پیشه خود سازند. از جدال و نزاع بپرهوده‌ای که سودی برایشان ندارد، دوری کنند. به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند؛ زیرا این کار موجب نزدیکی به من است؛ یعنی اگر رفت و آمد مؤمنین با هم شکل بگیرد، این رفت و آمد نزدیک شدن به من است. پس اگر مؤمنین می‌خواهند به من

۱. حضرت عبدالعظیم حسنی سه امام (امام رضا، امام جواد و امام هادی<sup>ع</sup>) را قطعاً دیده است؛ چهارمین امام تردید است و همه قبول نمی‌کنند.  
۲. بخارالأنوار، ج ۷۱، ص ۲۳۰.

امام نزدیک شوند باید با هم رفت و آمد کنند. آن وقت هر چه این جمع مؤمنین (سخنرانان، مداحان، استاندارها و ...) در کنار هم باشند، تأثیرگذارترند و این «قُرْبَة اِلَیَّ» شدیدتر است. بنابراین وقتی مؤمنین کنار هم قرار می‌گیرند رحمت الهی می‌جوشد و بسیاری از مشکلات و سختی‌ها رفع می‌شود. باور کنیم که جمع به ما محتاج نیست، بلکه ما به جمع نیاز داریم؛ گاهی آدم فکر می‌کند که جمع به او احتیاج دارد؛ یک نگاه هم معتقد است که ما محتاج به جمع هستیم و باید به‌سوی جمع برویم؛ وقتی احساس کنیم که باید به سمت جمع برویم، رحمت حق شامل حالمان می‌شود و باعث می‌شود رحمت الهی برای ما بجوشد.

سخنران و ستایشگر  
رابط و حلقه وصل  
بین مردم و  
اهل بیت علیهم‌السلام  
هستند.

## ملاک ایمان، محبت بین مؤمنین

دو نفر مؤمن که به هم می‌رسند «افضلهما ایماناً احبهما لأخیه»<sup>۱</sup> آن کسی که دیگری را بیشتر دوست داشته باشد نزد خدا ایمانش بالاتر است؛ یعنی ملاکِ ایمان، معرفت و ... نیست، بلکه محبت بیشتر نسبت به برادر مؤمن است. اگر این نگاه در وجود ما شکل بگیرد سبقت در ارتباط ایجاد می‌شود. حال اگر کسی در این ارتباط نتواند سبقت بگیرد، غصه‌دار می‌شود که خود این غصه جبران آن کوتاهی است. مثلاً ممکن است برای نماز شب بیدار نشود؛ آیا رجائاً قبل از خواب بخواند یا چنانچه با نیت نماز شب بخوابد ولی اگر بیدار نشد قضای آن را به‌جا بیاورد؟ کدام اولی است؟ می‌گویید چنانچه به نیت نماز شب بخوابی ولی بیدار نشدی، قضای آن اولی‌تر است؛ چون اولاً: شب را به نیت نماز شب خوابیده که این خود عبادت است؛ ثانیاً: وقتی قضای آن را می‌خواند از اینکه به موقع نخوانده است، غصه‌دار است؛ این حالت تأسف آن تأخیر را جبران می‌کند.

۱. قال الصادق عليه السلام: ما التقى مؤمنان قط إلا كان أفضلهما أشدَّهما حباً لأخيه؛ المحاسن، ج ۱، ص ۴۱۱، ج ۹۲۷.

اگر باور کردیم که چه آثاری در رابطه بین مؤمنین ایجاد می‌شود، آن وقت پی می‌بریم که عظمت شرکت در جلسات اهل بیت علیهم‌السلام و جلسات مداحان و ستایش‌گران به قدری است که برای شرکت در این جلسات از دیگران سبقت بگیریم. سخنران و ستایش‌گر رابط و حلقه وصل بین مردم و اهل بیت علیهم‌السلام هستند. اگر من در این جمع شرکت نکردم مثل این است که نمایندگان امام بیایند این‌جا بنشینند، ولی من نروم؛ این غصه می‌آورد. خود حالت این غصه موجب مراقبه برای انسان می‌شود.

یک شخص تاجری آمد خدمت امام جواد علیه‌السلام و به حضرت عرض کرد: آیا می‌شود من خادم شما بشوم؟ حضرت فرمودند: تاجری خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و به یکی از خادمان امام صادق علیه‌السلام گفت: من هر چه دارم به تو می‌دهم، تو هم خادمی (که اصطبل‌داری و مرکب‌داری حضرت بوده) حضرت را به من بده؛ خدمت‌کار نزد حضرت آمد و عرض کرد: آقا جان! اگر به ما خیری برسد شما می‌گویید نه؟ حضرت فرمودند: ما خودمان هر چه دست‌مان می‌آید می‌خواهیم به شما برسانیم چرا بگوییم نه. خادم عرض کرد آقا یکی آمده این جوری می‌گوید. حضرت فرمودند: می‌خواهی بروی ایرادی ندارد؛ ولی چون حقی بر ما داری بدان که هر کس اینجا با ماست، آنجا هم با ماست؛ خادم یک لحظه به خود آمد و رفت به تاجر گفت: آن چیزی که الان دارم خیلی ارزش‌مند است هر چند اصطبل‌داری و مرکب‌داری حضرت باشد و حاضر نیستم این موقعیت را با چیزی عوض کنم.<sup>۱</sup>

بنابراین آیا وقتی کسی که اسب حضرت را تیمار می‌کند این جور پیش حضرت مقرب می‌شود، فکر می‌کنید کسی که مرثیه‌سرا و مداح حضرات معصومین علیهم‌السلام باشد و احادیث و کلام حضرات معصومین علیهم‌السلام را نقل کند، ارزش او نزد حضرات معصومین علیهم‌السلام کمتر است؟

اگر باور کردیم که چه آثاری در رابطه بین مؤمنین ایجاد می‌شود، آن وقت پی می‌بریم که عظمت شرکت در جلسات اهل بیت علیهم‌السلام و جلسات مداحان و ستایش‌گران به قدری است که برای شرکت در این جلسات از دیگران سبقت بگیریم.

۱. منازل الأخره، ص ۸۴.

کسی که دارد معارف اهل بیت علیهم السلام را توسعه می‌دهد، سیره امام حسین و امام صادق علیهم السلام را نشان می‌دهد، اگر این وظیفه را درست انجام داده باشد، تجلی این بالاتر است و کسی که این جا با حضرت است آن جا هم با حضرت است.



## انتقال معارف اهل بیت علیهم السلام از کانال طاهر و پاک

می‌گویید اگر زائری از زیارت حضرات معصومین علیهم السلام آمد، سریع به دیدن او بروید؛ حالا آیا کسی که مدح و ثنای ائمه اطهار علیهم السلام می‌گوید زائر نیست؟ اینها بالاخره با حضرات هم‌نشین و از مقربان هستند؛ اگر این افراد با شوق و معرفت با هم جلسه بگذارند و به دیدار هم بروند، جلسات پررونقی شکل می‌گیرد؛ یعنی اگر این معرفت ایجاد شد و هر کسی خودش را محتاج دید، برای اینکه میزبان این جمع باشد با شوق سبقت می‌گیرد و پذیرایی از این‌ها را پذیرایی از امام می‌داند. اگر با این نگاه و باور مداحی کند، حال و هوای او خیلی تفاوت می‌کند نسبت به کسی که مانند مرده‌شوی باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: شقی کسی است که وقتی یک مطلبی را می‌بیند بگوید این برای گفتن خوب است؛ یعنی سخنران وقتی یک مطلب را می‌خواند، بگوید عجب حدیثی است برای گفتن! این یعنی خودش را مخاطب حدیث نمی‌داند. چنین سخنران و مداحی نمی‌تواند مجلس را منقلب کند. کانالی که قرار است معارف اهل بیت علیهم السلام را به مخاطبان منتقل کند باید طاهر باشد؛ هر چه

خانه‌ای که  
در یک محله  
از مؤمنین  
پذیرایی می‌کند  
یک پرچم هدایت  
می‌شود.



قدر این کانال طاهرتر باشد معارف طاهرتر نیز منتقل می‌شود و الا اگر آینه کدر باشد و شفاف نباشد، وقتی معارف اهل بیت علیهم‌السلام به این آینه می‌خورد کدر منتقل می‌شود. امام صادق علیه‌السلام در روایتی می‌فرمایند: «**فِي بُيُوتِهِمْ فَإِنَّ لَقِيًا بَعْضُهُمْ بَعْضًا حَيَاةً لَأَمْرًا**»<sup>۱</sup> ملاقات شما با هم، امر ما را زنده می‌کند. پس به دیدن هم بروید؛ حتی می‌فرمایند: به دیدن هم در منازلتان بروید؛ یعنی قرار بگذارید و جلسات و دعوت‌های خانوادگی داشته باشید. اینکه این دیدارهای در بیوت پرچم شود، خیلی تأثیر دارد؛ یعنی خانه‌ای که در یک محله از مؤمنین پذیرایی می‌کند یک پرچم هدایت می‌شود. حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌خواهند برای ما یک راه کمال قرار بدهند. حال اگر انسان از مداحان، سخنرانان، شاعران و خادمان اهل بیت علیهم‌السلام پذیرایی کند، یک حالت سبقت پیدا می‌کند.

خدای سبحان وقتی به حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام فرمان بنای کعبه را می‌دهد، به حضرت ابراهیم علیه‌السلام می‌فرماید: «**طَهِّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ**»<sup>۲</sup> بیت من را طاهر بنا کنید برای کسانی که می‌خواهند بیایند اینجا طواف کنند. چون بنای کعبه با اخلاص و طهارت بود، الی‌یوم‌القیامة دور این خانه طواف صورت می‌گیرد و باعث شد ابدیت پیدا کند. همین اعمال طواف و حجی که تا روز قیامت که انجام می‌شود می‌گویند به حساب حضرت ابراهیم هم نوشته می‌شود. «**وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ**»<sup>۳</sup> و مردم را به حج فراخوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکبیده از راه‌های دور نزد تو بیایند. خداوند اینجا به حضرت ابراهیم نمی‌گوید مردم زمان خودت را، بلکه می‌فرماید همه مردم را برای حج فراخوان؛ یعنی این فراخوان مختص مردم زمان خاصی نیست. اگر افق نگاه ما نیز این‌گونه

۱. الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۷۵.

۲. بقره، آیه ۱۲۵.

۳. حج، آیه ۲۷.

باشد، ممکن است یک وقت در مجلسی مداحی کنیم برای اینکه آن جمع منقلب شوند، ولی یک وقت مداحی می‌کنیم به این نیت که عالم هستی را منقلب کنیم و کاری به این زمان نداریم؛ حضرت ابراهیم علیه السلام اینگونه بود. «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» خداوند سبحان می‌گوید: تو صدا بزن و دعوت کن، رساندن آن با من.

جمع مداحان و  
سخنرانان  
باید با اخلاص‌ترین  
جمع‌ها باشند  
تا بتوانند در مردم  
تأثیر بگذارند.



اینکه تمام هستی را در مقابل دعوت به خاندان ببینیم خیلی متفاوت است با دعوتی که اختصاص به یک جمع محدود باشد. طبق روایت هر کسی حج می‌رود همگی در اجابت دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام است. پس مراتب بقای عمل، مطابق مراتب اخلاص در کارمان است. جمع مداحان و سخنرانان باید با اخلاص ترین جمع‌ها باشند تا بتوانند در مردم تأثیر بگذارند.



بر اساس روایات،  
محبت اهل بیت علیهم السلام  
در وجود همه  
هست؛  
ولی تعلقات  
باعث شده که  
دیده نشود.

## فطرت انسان آمیخته با محبت اهل بیت علیهم السلام

ما به دنیا نیامدیم که تلاش کنیم به خوشبختی برسیم، بلکه باید تلاش کنیم خوشبختی خدادادی را حفظ کنیم؛ اول باید خوشبختی را بشناسیم، بعد حفظ کنیم و سپس آن را توسعه بدهیم. بر اساس روایات، محبت اهل بیت علیهم السلام در وجود همه هست؛ ولی تعلقات باعث شده که دیده نشود. بنابراین اگر تعلقات کنار زده شود این محبت هست. زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حتی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای سالیانی سنت رایج بود که اگر کسانی شک می کردند فرزندان از خودشان است یا نه، نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می آوردند، اگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست داشت می گفتند این فرزند پدرش است و حلال زاده است.<sup>۱</sup> مردم بر این باور بودند که محبت اهل بیت علیهم السلام در فطرت انسان است؛ چون اهل بیت علیهم السلام فطرت مجسم هستند و محبت ایشان در فطرت انسان محبّ اهل بیت علیهم السلام هست، حتی اگر نشناسد.

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۸۸.

حارث همدانی با حالتی پریشان نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد؛ حضرت فرمودند چرا اینقدر پریشانی؟ عرضه داشت: داشتم می‌آمدم خدمت شما؛ در مسیر این بحث و جدل را شنیدم که برخی می‌گفتند: آیا کارهای علی علیه السلام صحیح است یا نه و آیا اصلاً علی علیه السلام بر حق است یا نیست؟! از اینکه شما را نمی‌شناسند عصبانی شدم. حضرت فرمودند: حارث چیزی بگویم تا آرام بشوی. «ای حارث همدانی! هر که بمیرد از مؤمن و منافق مرا رویاروی می‌بیند؛ دیدگان او مرا می‌شناسد و من نیز او را به وصف و نام و عمل می‌شناسم»<sup>۱</sup>.

يَا حَارِ هَمْدَانَ مَنْ مِثِّي يَرِنِي / مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قَبْلًا  
يَعْرِفُنِي طَرَفُهُ وَ أَعْرِفُهُ / بِعَيْنِهِ وَ اسْمِهِ وَ مَا عَمِلَا

امام رضا علیه السلام به عبادت مؤمن مریضی رفتند که لحظات آخر عمرش بود؛ حضرت با او صحبت می‌کردند؛ یک دفعه این شخص بیمار گفت: دارم پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را می‌بینم؛ حتی امام رضا علیه السلام - که آنجا کنار بستر اوست - جزو آن تمثیل می‌بیند؛ به حضرت می‌گوید شما و این حضرات را می‌بینم؛ حضرت هم تأیید می‌کنند که این نگاه محقق می‌شود. گاهی آدم، عمری ادعای دوستی اهل بیت علیهم السلام داشته، ولی در آخر کار می‌بیند عملاً دوستی نبوده است؛ بعضی نیز هستند که اصلاً حضرات معصومین علیهم السلام را نمی‌شناختند، ولی اگر یک موضوع حقی برای آن‌ها پیش می‌آمد و انجام می‌دادند، بدون این‌که بدانند، آن‌جا وقتی حضرات را می‌بینند، متوجه می‌شوند که این حضرات همان اشخاصی هستند که دنبالشان بودند و نمی‌شناختند. بعد روایت می‌گوید عده زیادی آنجا به حضرات ایمان می‌آورند و قبل از مرگشان با ایمان از دنیا می‌روند.

۱. الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، جلد ۱، صفحه ۳۱۲.

آیه قرآن هم می‌گوید: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»<sup>۱</sup> در عربی «ان» نفی و «الا» اثبات که می‌آید یعنی همه را شامل می‌شود. یعنی در حقیقت می‌گوییم «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»؛ نیست از اهل کتاب مگر اینکه قبل از مرگ ایمان می‌آورند. روایات ذیل این آیه زیاد است که می‌گوید: «لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» اهل کتاب حضرت عیسی علیه السلام را می‌بینند و به او ایمان می‌آورند؛ بعد می‌گویند به عیسیایی ایمان می‌آورند که بشارت به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دهد؛ پنج روایت دارد که می‌گوید اهل کتاب مستقیم به خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایمان می‌آورند و از دنیا می‌روند.<sup>۲</sup>

اگر به این باور برسیم که محبت اهل بیت علیهم السلام در فطرت همه انسان‌ها هست، لازم می‌شود که سعی کنیم محبت‌های اغیار از جان این‌ها کم شود. نیازی نیست ایجاد محبت کنیم، بلکه باور به این محبت را حفظ کنیم؛ اگر باور کنیم که این محبت در وجود مردم هست، جور دیگری با مردم معامله می‌کنیم؛ حتی آن‌هایی که به ظاهر بدی می‌کنند، اگر بدانیم محبت اهل بیت علیهم السلام در جان این‌ها هست و نمی‌دانند، وقتی برای این‌ها ذکر می‌گوییم و مدیحه‌سرایی یا مرثیه‌سرایی می‌کنیم، آن وقت این‌ها را مظاهر اهل بیت علیهم السلام می‌بینیم.

چون مجلس  
اصل است  
در حقیقت  
وقت نداریم  
و باعث شده  
سطحی باشیم  
و استقامت  
نداشته باشیم.

۱- نساء، آیه ۱۵۹.

۲- تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۱۶.

## مبارزان انقلابی و تمرین استقامت برای ادامه مبارزه

قبل از انقلاب، مبارزان وقتی می‌خواستند برای مبارزه یک جمعی را تشکیل بدهند، اولین کار این بود که برای دستگیر شدن فکر می‌کردند؛ چون بعد از دستگیری ساواک شکنجه می‌کرد تا سایر مبارزان را لو بدهند؛ به همین خاطر مبارزان انقلابی برای اینکه اراده‌هایشان قوی شود، روزه مستحبی می‌گرفتند، یا مثلاً سه روز بدون آب و غذا به بیابان‌های لم‌یزرع می‌رفتند؛ در نتیجه وقتی وارد کار می‌شدند با قوت می‌ماندند. این انقلابیون توانستند مردم را هم بسیج کنند و در جریان جنگ تحمیلی هم خودشان را نشان دادند؛ این‌ها به عنوان استوانه‌های کار بودند.

متأسفانه الان جمع‌هایی که شکل می‌گیرد فقط حالت واسطه پیدا می‌کنند؛ یعنی قشر هدف نیستند، بلکه برای انتقال به دیگران است. ما مداحان، سخنرانان، هیأت‌داران، خدمت‌گزاران، خودمان را هدف اول نمی‌بینیم، بلکه مردم و مستمعین را قشر هدف می‌بینیم. از این رو احساس نمی‌کنیم که برای خودمان هم اصلاً می‌شود کاری کرد؛ حتی

قائل نیستیم که باید برای خودمان هم کاری کنیم؛ برای خودمان وقت نداریم و می‌گوییم اگر بخواهیم این کار را بکنیم یک مجلس باید کمتر برویم. پس چون مجلس اصل است در حقیقت وقت نداریم و باعث شده سطحی باشیم و استقامت نداشته باشیم.

وقتی  
یک حرکت جمعی  
نداریم،  
به این معنی است  
که فرد هستیم  
و از حقیقت  
روح جمعی  
محرومیم.



## تأثیر عهدهای جمعی در رشد مؤمنین

در روابط بین مؤمنین عهدهای جمعی خاصی هست که باعث رشد می‌شود؛ مداحان نیز کنار هم جمع بشوند و با هم عهدهای جمعی ببندند؛ این عهدهای جمعی سبب می‌شود یک روح واحدی بشوند. افرادی که کنار هم جمع می‌شوند مثل یک لشکر هستند؛ وقتی یک لشکر کنار هم جمع می‌شود هزار نفر یا ده‌هزار نفر، یک واحد انرژی می‌شود که عادی است؛ ولی در نظام الهی وقتی دو یا سه نفر کنار هم جمع می‌شوند، دو اثر دارد؛ یک اثر مربوط به افرادی است که در کنار هم هستند؛ اثر دیگر - که عظیم‌ترین اثر است - مربوط به روح واحد دیگری است که از جانب خدای سبحان در این جمع دمیده می‌شود؛ روحی که در این جمع دمیده می‌شود، آثاری دارد که غیرقابل قیاس با مجموع دیگر جمع‌هاست. وقتی یک حرکت جمعی نداریم، به این معنی است که فرد هستیم و از حقیقت روح جمعی محرومیم. مرحوم علامه طباطبایی در المیزان در مورد آیه «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ»<sup>۱</sup> می‌فرماید:

۱. اعراف، آیه ۳۴.

امت‌ها وقتی کنار هم قرار می‌گیرند خودشان یک حیاتی دارند؛ مرگ و زندگی و رشد دارند؛ یعنی غیر از اینکه افراد رشد و زندگی و مرگ دارند، قرآن فرموده «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ» هر امتی برای خودش یک مهلت و مدت و رشد و اوج و حضیضی دارد. این یک حیات است، یک روح است؛ حیات مربوط به روح است؛ یعنی اعتبار نیست، بلکه یک واقعیت است. اگر این جوهری شد مداحان یک شهر و استان و کشور، وقتی کنار هم جمع بشوند یک حیات واحد در این‌ها ایجاد می‌شود؛ یک حرکت عظیم روحی که در نتیجه آن وقتی یک مداح در یک استان و شهر دیگری مداحی می‌کند، با مداحی که در شهر شما مداحی می‌کند، هر اثری که بر کار او بشود، بر دیگری هم هست؛ چون این‌ها یک روح واحد و یک حقیقت واحد شده‌اند. می‌دانید انسان این‌طوری چقدر عظیم می‌شود؛ فوق زمان و مکان می‌شود. ما خودمان را در محدوده جسم و تن می‌بینیم؛ چون جسم و تن مان این‌جاست و جای دیگری نیست، در این زمان است و زمان دیگری نیست. هبوط در همه ما اتفاق افتاده و خودمان را جسم و تن می‌بینیم و کاری می‌کنیم که فقط تن در آن حاکم است. ما باور نداریم که روح محصور در زمان و مکان نیست؛ بنابراین چون باور نداریم، به مقتضای آن نیز هیچ رفتاری نمی‌کنیم و فرصت‌ها را از دست می‌دهیم. بعدها وقتی چشم ما باز شود، می‌بینیم که چقدر توان و قدرت داشتیم و از آن استفاده نکردیم و هدر دادیم. اولیای الهی وقتی ما را می‌بینند به ما می‌خندند؛ چون ما تنها بدن و توانایی بدن و جسم را می‌بینیم. روایت داریم که روح و جان مؤمن «إِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا»<sup>۱</sup> به روح خدا بیشتر پیوسته است تا شعاع آفتاب به آفتاب؛ یعنی ارتباط با خدا این قدر شدید است. روح اگر این‌جوری شد محدود به زمان و مکان نمی‌شود.

تصمیم جمعی و  
عهدهای جمعی،  
روح جمعی  
ایجاد می‌کند  
و اتصال و ارتباط  
ایجاد می‌کند.

۱. اصول کافی؛ ج ۲، «کتاب ایمان و کفر»، «باب اخوة المؤمنین»، ص ۱۶۶، ج ۴.

اگر این نگاه در ما ایجاد شود احتیاج ما به حالت‌های جمعی و اجتماعی و ارتباطی نه تنها شوق‌آور می‌شود، بلکه انسان جزو ضروریات خودش می‌بیند و همه برنامه‌هایش را براساس این ارتباطات جمعی و عهدهای جمعی<sup>۱</sup> برنامه‌ریزی می‌کند و با هم عهدهای جمعی چهل‌روزه ببندند. تصمیم جمعی و عهدهای جمعی، روح جمعی ایجاد می‌کند و اتصال و ارتباط ایجاد می‌کند.



---

۱. کتاب جهاد اکبر در قالب سی جلسه بیان شده است که شش جلسه آخر آن در توضیح عهدهای جمعی است.

## آثار منفی تأخیر در سن ازدواج

حضرت آقا در دیدار با ستایشگران اهل بیت علیهم السلام روی بحث خانواده تأکید داشتند و فرمودند: بحث خانواده یک بحث مهمی است؛ جریان غرب در مقابل خانواده، صد سال است ایستاده و دنبال این هستند که بحث خانواده در کل دنیا ریشه کن شود و تنها بیهود باقی بماند. صهیونیست‌ها معتقدند غیر از یهودی‌ها همه حیوان هستند و باید در مقابل صهیونیست باشند. از این رو بحث یک مسأله نیست، بلکه بحث یک فرهنگ است که اوج این فرهنگ در همجنس‌گرایی و ازدواج‌های سفید خودش را نشان می‌دهد. حتی غرب در میوه‌ها و گیاهان و نباتات هم از طریق بحث تراریخته دارد دست‌کاری می‌کند؛ پرتقال بدون هسته، همان میوه عقیم است. همان‌طور که نگاه‌شان عقیم کردن انسان است، در طبیعت هم عقیم کردن طبیعت است.

این‌ها در نظام الهی با هم یک تناسب فکری دارد؛ در نظام غربی هم که تناسب فکری حاکم است. مثلاً تأخیر در سن ازدواج، ایستادن در مقابل حرکت وجود است؛ از طرفی

تأخیر  
در سن ازدواج،  
ایستادن در مقابل  
حرکت وجود است.

آثار منفی گناه ایجاد می‌شود؛ از طرفی تأخیر در سن ازدواج موجب کاستن نسل و به نوعی عقیم شدن می‌شود. قوم لوط نیز در طریق عقیم شدن قدم برداشتند؛ عذابی هم که بر قوم لوط نازل شد غیر قابل تصور با عذابی بود که بر اقوام دیگر نازل شد؛ یعنی فسادى که از زنا برمی‌آید با فسادى که از لواط بر می‌آید غیر قابل قیاس است؛ چون فساد لواط نظام شبیه تکوینی ندارد، ولی زنا شبیه قانونی نکاح را دارد. غیر قابل قیاس است با فساد زنا، چرا؟ چون زنا یک شبیه قانونی و الهی دارد که نکاح است، اما لواط نظام تکوینی و شبیه تکوینی ندارد.

حال باید این وضعیت را ترسیم کرد که اگر مثلاً ازدواج یک جوان دو سال به تأخیر افتاد چه اتفاقی می‌افتد و چه آسیب‌هایی دارد؟ اولین آسیب آن دیر ازدواج کردن است؛ دومین آسیب آن اخلال در میزان جمعیت است که هر کدام از اینها خلاف نظام طبیعت است.

صله رحم  
غایت،  
نهایت  
و اوج  
ارتباط شما  
با ما هست.

## صله رحم غایت ارتباط با اهل بیت علیهم السلام

این ترسیم وضعیت موجود بود؛ حالا خانواده در ترسیم نظام اهل بیت علیهم السلام به عنوان رحم تعبیر شده است؛ می‌گوییم صله رحم، که حقیقت رحم مربوط به زن هاست. بعد نظام اهل بیت علیهم السلام محور صله ارحام را «رحم» قرار می‌دهد؛ این حرف خیلی بلند است؛ یعنی ارتباط بین انسان‌ها از طریق رحم ایجاد می‌شود؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»<sup>۱</sup>؛ کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، زیان کارانند.

ذیل این آیه روایات متعددی هست که می‌فرماید: صله ارحام یکی از آن هاست؛ بعد می‌فرماید: «صله رحم» غایت و نهایت و اوج ارتباط شما با ما هست؛ یعنی صله رحم از هم‌خونی‌ها و از ارتباط رحم شروع می‌شود و بعد غایت و نهایت آن به صله اهل بیت علیهم السلام

۱- رعد، آیه ۲۵.

می‌رسد. از این رو در روایات متعدد می‌فرماید: رِجْم، آل محمد ﷺ است. امام صادق ﷺ می‌فرمایند: «شَيْعَتُنَا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا»<sup>۱</sup> شیعیان ما از بقیه خمیرمایه اولیه آفرینش ما آفریده شده‌اند. امام باقر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلَيَّنْ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شَيْعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا مِنْهُ وَ خَلَقَ أَسْبَابَهُمْ تَهْوِي إِلَيْنَا لِأَنَّهَا خَلِقَتْ مِنَّا خَلْقًا مِنْهُ»<sup>۲</sup>؛ خدا ما را از اعلی‌علیین آفرید و دل‌های شیعیان ما را از اعلی‌علیینی که ما از آن خلق شدیم آفرید؛ اما بدن شیعیان را از پایین‌تر یعنی از عالم ماده آفرید. اینجا نگاه کل به جزء است؛ یعنی ما اصل و شما فرع هستید؛ ما به شما علاقه داریم چون شما فرع ما هستید. جریان رِجْم که در روایات آمده، از این جا شروع می‌شود و ادامه پیدا می‌کند تا به آل محمد ﷺ می‌رسد. بنابراین، برپایی مجالس اهل بیت ﷺ به رِجْم طینی و بدنی با رِجْم ولایی ارتباط پیدا می‌کند؛ یعنی وقتی در جلسات مدیحه یا مرثیه‌سرای، دل‌ها را به امام معصوم مرتبط می‌کنیم، به این معنی است که داریم صله رِجْم می‌کنیم. اگر باور کردیم که برپایی مجالس اهل بیت ﷺ صله رِجْم است، به این معنی است که مردم را به رِجْم حقیقی‌شان که همان رِجْم آل محمد ﷺ است برمی‌گردانیم. یا در تعبیر روایت که می‌فرماید «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»<sup>۳</sup> ما پدران امت هستیم؛ یعنی پدر رِجْم معنوی جدی است.

به امام زمان ﷺ اباصالح می‌گویند؛ این در حالی است که حضرت فرزندی به اسم صالح ندارد؛ بنابراین حضرت پدر هر کسی است که صالح است؛ این یعنی وقتی انسان عمل صالح انجام می‌دهد، در همان حین اَبُوْت امام زمان (ارواحنا فدا) را بر خودش شکل می‌دهد. صله رِجْم، همه آن آثاری که گفتند (طول عمر، زیادی رزق، تأخیر در اجل بد) برای انسان

۱. شجره طوبی، ج ۱، ص ۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴، باب طینة المؤمن و الکافر.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹۵، باب ۶.

دارد. بعد در یک روایت می‌فرماید از آن‌هایی نباشید که اگر یک روایاتی و آیه‌ای را دیدید، یک مطلبی را دارد می‌گویند بگویند فقط این است و چیز دیگری نیست. این هست بالاتر از این هم هست؛ حتی بالاتر از این در روایات می‌فرماید: «الرحم شجرة من الرحمن»؛ یعنی رَحِم، شأن و شاخه‌ای از اسم الرحمن الهی است؛ ریشه رحمان از رَحِم است؛ رحیم و رحمن نیز دو چشم رَحِم است؛ ریشه رَحِم نیز رحمت است. بنابراین یک رَحِم خونی و نژادی داریم که ارتباط خونی و بدنی است؛ یک رَحِم ولایی داریم که ارتباط با نظام روحی ما با ولایت است؛ در نهایت هم یک رحم الهی «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا»<sup>۱</sup> داریم؛ یعنی هیچ جنبه‌ای نیست مگر این که ناصیه آن دست خداست؛ خالق یعنی همه ما از او نشأت گرفتیم و خَلَق ما به دست اوست؛ این هم یک رَحِم است؛ «الرحم شجرة من الرحمن» یک شاخه از رحمان است.

حالا چنانچه با این نگاه به نظام خانواده نگاه کنیم، در آن صورت اهمیت نقش خانواده، تشکیل خانواده و تحکیم خانواده مشخص می‌شود؛ یعنی اگر جلسات اهل بیت علیهم‌السلام را آسیب‌شناسی کنیم، آن چیزی که باعث تضعیف این جلسات می‌شود، ضعیف شدن نظام خانوادگی طینی است. تضعیف نظام خانواده طینی، می‌تواند رَحِم ولایی و حتی الهی را تضعیف کند. بسیاری از آسیب‌های کشور، مربوط به ضعف‌های روابط خانوادگی است. نزول رحمت الهی در ارتباطات خانوادگی است؛ نزول رحمت الهی در مرتبه بعدی در رَحِم ولایی و بعد از آن رَحِم رحمانی است. اگر اولین رَحِم آسیب ببیند، تا آخر آسیب می‌بیند.

به امام زمان علیه‌السلام  
ابصالح می‌گویند:  
این در حالی است  
که حضرت فرزندی  
به اسم صالح نداشتند؛  
بنابر این حضرت پدر  
هر کسی است که  
صالح است.

۱. هود، آیه ۵۶.



## نقش آخرالزمانی هریک از افراد در کاروان امام حسین (ع)

این که چرا حرکت امام حسین (ع) با خانواده بود، یک امر ساده و اتفاقی نیست؛ این کار نقشه خداست. در نهضت امام حسین (ع) هر کدام از افراد کاروان یک نقشی در آخرالزمان دارد؛ مثلاً شیعیان نیجریه شیعه شدنشان را مرهون جون غلام ابی ذر می دانند؛ یا حضرت علی اصغر (ع) و جریان شیرخوارگان، یک نهضت جهانی راه انداخته است که تحریک کننده وجدان هاست؛ یعنی هر کسی بشنود متأثر می شود و در حقیقت نسبت به جریان مقابلش متنفر می شود که این خود یک دیپلماسی وجدان و تحریک کننده وجدان بشریت است. بنابراین جریان خانواده امام حسین (ع) پاسخ مشکلات بشریت در آخرالزمان است. شعار حضرت صاحب الزمان (ع) هنگام ظهور نیز «یا لثارات الحسین (ع)» است که شناخت مردم نسبت به حضرت از این طریق است. نصف جریان شناخته شدن امام حسین (ع)، اسارت خانواده حضرت و پیغام رسانی خانمهایی است که در آن لشکر اسیر شدند؛ نصف جریان امام حسین (ع) را نیز ما هنوز نتوانسته ایم بشناسیم.

اوج فرهنگ غرب، به ازدواج‌های سیاه و هم‌جنس‌گرایی ختم می‌شود که در مقابل حرکت نظام خانواده است. اوج نهضت امام حسین علیه السلام و تأثیرگذاری آن در جهان و پاسخ به حل مشکلات آخرالزمان نیز، جریان خانواده‌ای است که در ارتباطات امام حسین علیه السلام و عاشورا پیش آمده است؛ خواهر، برادر، فرزند، پدر، مادر، عمو و... و رابطه‌ها و حقایقی که در عاشورا و کربلا شکل گرفته است.

حالا باید دید چطور جریان خانواده را به محرم و مجالس اهل بیت علیهم السلام مرتبط کنیم؛ ما اینها را باور نمی‌کنیم، چون نقشه خدا را نمی‌بینیم؛ برخی به حضرت گفتند نروید؛ اگر هم می‌روید، خانواده را نبرید؛ حضرت فرمودند: خدای سبحان می‌خواهد ما را شهید ببیند و این‌ها را اسیر ببیند؛ یعنی آن امر هدایت‌گری در اسیری اهل بیت علیهم السلام می‌خواهد محقق بشود. بنابراین نقش خانواده در حماسه عاشورا، یک نقش هدایت‌گری است. پس اگر ان شاءالله خدای سبحان این حقیقت را با این نگاه و عظمت برای ما ایجاد کند، یک نگاه جدیدی به خانواده، روابط خانواده، مشکلات آسیب‌های اجتماعی و حل مشکلات اجتماعی مان ایجاد می‌شود که در آن صورت دیگر یک جوان با همه سختی‌ها و مشکلات به خودش اجازه نمی‌دهد که دیر ازدواج کند. از این‌رو اگر نگاه ما به خانواده عوض شود و تمام توان‌ها برای حل مشکلات و معضلات خانواده‌ها بسیج شوند، رفع مشکل یک خانواده، رفع یک آسیب بزرگ اجتماعی محسوب می‌شود.

رفع مشکل  
یک خانواده،  
رفع یک  
آسیب بزرگ  
اجتماعی  
محسوب می‌شود.



## هیأت تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأت  
الگوی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر<sup>علیه السلام</sup>  
باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد.  
هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین  
هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...



در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم  
برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

که به دنبال ارتباط بیشتر  
محتان سیدالشهدا<sup>علیهم السلام</sup> است...  
قرار نیست مشعر تولید کند.  
قرار است مشعر آینه تولیدات  
و فعالیت‌های شما باشد.  
اینجا، جای آرم هیأت شماست  
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...



۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱  
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲  
www.۱۵۴۲.org  
info@۱۵۴۲.org

جامعه ایمانی مشعر،  
محفلی است برای گردآمدن  
هیأت‌های کشور.  
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،  
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و  
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.  
اجتماعی ایمانی و توحیدی است